

عباس کیارستمی

عباس بهاء لو

www.ketab.ir

سرشناسه: عباس بهارلو (حیدری، غلام)، ۱۳۳۷ -
 عنوان و نام پدیدآور: عباس کیارستمی / عباس بهارلو (غلام حیدری)
 مشخصات ناشر: تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰
 مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص. : مصور
 فروست: سلسله انتشارات - ۱۹۲۷. سینما - ۳
 شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۱۹ - ۹۴۳ - ۱
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 موضوع: کیارستمی، عباس، ۱۳۱۹-۱۳۹۵ - نقد و تفسیر
 موضوع: criticism and interpretation Abbas Kiarostami
 موضوع: سینما - ایران - تهیه‌کنندگان و کارگردانان
 موضوع: Motion picture producers and directors-Iran
 رده‌بندی کنگره: ۹۱۳۹۶ ح ۹۶ ک / ۱۹۹۸ / PN ۳
 رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳.۲۳۳۰۹۲
 شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۷۳۸۴۷۷

ISBN: 978-600-119-943-1

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۱۹ - ۹۴۳ - ۱



عباس کیارستمی

عباس بهارلو

صفحه آرا: ژیلای پی سخن

طراح جلد: مهسا ثابت دیلمی

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

چاپ: دیجیتال نقش

ر: ۴۰۰ نسخه

بها: ۵۰۰۰ تومان

استفاده از این اثر، شرعی،

بدون اجازه ممنوع است.

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر (ششم)، کوچه دانش، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱ ۳۳ ۹۷ ۸۸

دورنگار: ۹۶ ۸۹ ۹۶ ۸۸

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

www.nashreghatreh.com

info@nashreghatreh.com

nashr.ghatreh@yahoo.com

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

۷.....	یادداشت اول
۱۱.....	یادداشت دوم
۱۳.....	عباس کیارستمی
۱۵۷.....	گزیده گفت‌وگوهای عباس کیارستمی
۱۶۳.....	آلبوم عکس

یادداشت اول

در ایران، هر سال، نجاه تا شصت فیلم بلند سینمایی ساخته می‌شود که معمولاً تعداد انگشت‌شمار از آن‌ها به جشنواره‌های منطقه‌ای و جهانی راه پیدا می‌کنند، و تعداد اندک‌تری نظر بینندگان و منتقدان حرفه‌ای را می‌گیرند. تقدیر و تحسین این فیلم‌ها در جشنواره‌ها و مجامع جهانی و بی‌اعتنایی اهل سینما و توده بینندگان داخلی نسبت به پاره‌ای از این فیلم‌ها برخی از اهل نظر را بر آن داشته است که نتیجه بگیرند: «همیشه خارجی‌ها استعدادهای ما را کشف کرده‌اند، همان‌طور که ناشده، چاه‌های نفت و خیلی چیزهای دیگر ما نیز آن‌ها بوده‌اند.»

راست این است که هر فیلم‌ساز یا فیلم ایران، که سبزه‌ای از جشنواره‌های کوچک و بزرگ خارجی به‌دست می‌آورد، غرور و مایه ملی ما را برمی‌انگیزد، حتی اگر ما با آن فیلم‌ساز و فیلم برگزیده و تایید شده چندان سر موافقت نداشته باشیم. البته حساب آن نوادری که هر توفیق جهانی را برای هنرمندان وطنی و توطئه و نقشه‌آجینی می‌دانند جدا است؛ هر چند آن‌ها نیز چنان‌چه «آثار» مورد نظرشان با حُسن ظن دیگران، همان بیگانگان یا اجانب، رویه‌رو شوند به‌قدر کافی احساس شعف و غرور

می‌کنند و به خود می‌بالند. طبیعی است که هیچ هنرمند و فیلم‌سازی نمی‌خواهد اثرش در معرض بی‌اعتنایی و تحقیر عمومی قرار بگیرد، و چنان‌که گفته‌اند آجر هنرمند، و در این جا فیلم‌ساز، مخاطب زیاد و جلب قلوب مردم است. مخاطب یک فیلم نیز فقط به مردم یا ملیت فیلم‌ساز محدود نمی‌شود؛ زیرا اگر چنین بود مؤسسه‌های فیلم‌سازی هالیوود و کمپانی‌های معروف تولید فیلم در اروپا پا نمی‌گرفتند و با افلاس و رنکستگی روبه‌رو می‌شدند، یا دست‌بالا دیگر هیچ تهیه‌کننده‌ای حاضر به سرمایه‌گذاری برای تولید فیلم نمی‌شد.

اما آیا در سینمای ایران در جشنواره‌های خارجی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، به این معنا است که سینمای ما موج یا جریان جدیدی در جهان سینما پدید آورده است و فیلم‌سازان ایرانی قادر به رقابت با فیلم‌سازان سینمای هالیوود در اروپا هستند؟ واقعیت این است که جریان عمومی سینمای ایران از کوشش برای اصیل و نوآورانه چند فیلم‌ساز اندک‌شمار، که در جشنواره‌ها و مجامع سینمایی درخشیده‌اند، جدا است، و حتی موفقیت‌های جشنواره‌ای هیچ موج یا جریانی در سینمای جهان ایجاد نکرده‌اند و در نمایش عمومی، آن قدر که در تهر هیئت‌های داوری و منتقدان را گرفته‌اند، در جلب اقبال بینندگان سینما موفق نبوده‌اند یا کم‌تر موفق بوده‌اند. متأسفانه هنوز هیچ فیلمی در ایران ساخته نشده است که توانسته باشد جدا از عرصه جشنواره‌ها و مجامع شناخته شده سینمایی با فیلم‌های پُر بیننده و «پرفروش» هالیوودی یا اروپایی در عرصه سینماهای عمومی رقابت کند. حضور فیلم‌های ما در خارج از ایران یک حضور جشنواره‌ای است و اگر رقابتی در میان باشد، که هست، صرفاً در تالار نمایش فیلم جشنواره‌ها و نظایر آن است و این موضوع، اگر چه مایه مباحثات و افتخار است، هنوز از جریان عمومی یا بازار «جهانی» سینما فاصله دارد.

اما قطعاً کامیابی‌های فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌ها انگیزه‌های تازه‌ای برای تحرک فرهنگی و هنری در سینمای ایران ایجاد کرده است و آزمایش‌گری و ذوق‌ورزی فیلم‌سازان ما را از محدودهٔ محافل و حلقهٔ محارم به‌در آورده است؛ هر چند هنوز کنج و پناهی برای آرامش و آفرینش تعدادی از فیلم‌سازان مستعد و نام‌آور ما وجود ندارد. تأثیر این کامیابی‌ها در محافل و مجامع سینمایی ایران، که نقش مشفقانهٔ پاره‌ای از منتقدان سینمایی را باید بدان ملحوظ داشت، روزافزون و خوشایند است و می‌توان امیدوار بود که ما در آینده شاه‌آرام‌هایی باشیم که صرفاً از نیروی خلاقیت و ابتکار خود فیلم‌سازان سرچشمه گرفته باشند نه از توصیه و سفارش تهیه‌کنندگان و سازمان‌ها و نهادهای سنتی تولید فیلم. فیلم‌سازی، مانند هر هنر دیگری، لوازمی دارد که باید بدان‌ها استزم بود، اما قبل از هر چیز فیلم خوب محصول آزادی خلاقیت است. با به‌راه‌انداختن دستگاه ارشاد و مُرید جمع‌کنی و گسپ‌زدن بساط رهنمائی و مکتب‌داری و مقاله‌پرانی فیلم اصیل ساخته نمی‌شود؛ مگر این‌که ما در «یاگو» در «اتللو» بر این عقیده باشیم که: ترقی به تقرب و واسطه پسته است؛ به قدمت خدمت.

اگر در سال‌های اخیر در بیش‌تر جشنواره‌های منطقه‌ای و جهانی، دست‌کم، یک نماینده یا فیلم از ایران حضور داشته و این حضور نظرگیر نام سینمای ما را در آن سوی مرزها بر سر زبان‌ها انداخته است، سنولان و مصادر سینمای ایران نباید این افتخار را به خود ببندند و خیر را دانایستهٔ اعزاز و اکرام بدانند. چنان‌که اشاره کردم جریان عمومی و رسمی سینمای ایران از فعالیت پراکنده و منفرد فیلم‌سازان اصیل و نوآور جدا است و حتی در مواردی بر ضد و نفی آن عمل می‌کند. چه‌گونه می‌توان فیلم‌سازی مانند کیارستمی و اغلب فیلم‌های او را در امتداد سنت سینمای ایران یا مُحَصِّل طبیعی آن دانست؟ این واقعیت، البته، به جامعهٔ ایران محدود نیست. در سینمای ژاپن یا هندوستان وضع، کمابیش، به همین منوال است. سینمای

آکی را کوروساوا یا ساتیا جیت‌رای در امتداد طبیعی سینمای سنتی ژاپن و هندوستان قرار ندارند، و اگر کوروساوا یا جیت‌رای قدر و منزلت ممتاز و افتخارآمیزی در سینمای جهان دارند کسی این قدر و منزلت را، علی‌الاطلاق، از آن سینمای ژاپن و هندوستان نمی‌داند.

به گمان من در سینمای ایران چند فیلم‌ساز وجود دارند که معرفی و نقد آن‌ها و جامع آثار آن‌ها در یک مجلد لازم بوده است، به‌ویژه از لحاظ تعیین کردن جایگاه آن‌ها در سینمای ایران و مشخص ساختن سهم‌شان در تحولی که ایجاد کرده‌اند. من تصور می‌کنم در مجموعه کتاب‌هایی که با عنوان «معرفی و نقد» منتشر کرده‌ام در پیش‌برد و تحصیل چنین هدفی حدّ اعلاّی تلاش کرده‌ام و به‌کار برده‌ام و کوشیده‌ام با آرایشی متنوع و متوازن، از حیث مضمون، قلم‌ها و نگرگاه منتقدان، هر کتاب را فراهم بیاورم.

عباس بهارلو

آبان ۱۳۷۸